

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام  
 صاحب امتیاز روزنامه هفتگی  
 و یومیه (جبل المتین)  
 (عنوان مراسلات)  
 طهران خیابان لاله زار  
 نائب مدیر میرزا سید حسن کاشانی  
 دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی  
 مهر از روزهای جمعه همه روز  
 طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۳۰ فران  
 سایر بلاد داخله ۳۵ فران  
 روسیه و قفقاز ۱۰ منات  
 سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک  
 (قیمت یک نسخه)  
 در طهران صد دینار  
 سایر بلاد ایران سه شاهی است  
 قیمت اعلان مطری  
 دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه  
 با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

پنجمه ۵ رمضان المبارک ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۶ مهرماه جلالی ۸۲۹ و ۱۱ کتبر ۱۹۰۷ میلادی

تعیین تکالیف لازمه

(یا استخلاص از مفاسد معاومه)

در شماره گذشته اشاره کردیم که باید کاری کرد که وسیله دست حریف نداد و راه بهانه برایش باز نشود اینجا است که کایر مغز و منخ حکم باید کار حضرت قبل است در برابر یگانه طماعه که بهر وسیله و بهانه متمسک میشود چطور باید ساوک کرد که عذر تراشد و اسباب زحمت نشود البته حکایت کبک و بازارا شنیده اید که بازی عاشق رفتار خرابان و خنده قهقهه کبک دری گردید و مایل شد که چیزی با او در یک آشیان برود و عمر را در مصاحبت رفیقی خوش حال و شاهی شیرین کلام بگذراند چندانکه کبک عذر تراشید و مواعظ اظهار کرد در مقابل اصرار عاشق به هیچ شد و خواهی نخواهی باشیانه باز رفت و بعد از مدتی معاشرت باز را کالتی عارض شد و از تحصیل قوت باز ماند نفس خبث بنای وسوسه نهاد و او را بر تقض عهد مجبور ساخت و مهیا شد که از کبک بهانه گرفته با چنگال تیز از هم بردرد و آتش کرسنگی را از گوشت لطیف آن آبی پاشد چند آنکه صبر نمود و کبک هر کس خلاق ادب نمود بالاخره باین بهانه متوسل شد که در شب تار چگونه روا است که من در آفتاب باشم و تو در سایه چندانکه آن بینوا زبان عجز بر گشود که ای خداوند کار اکنون شب دیجور است که چون روزگار اهریمن تیرم و تار است آفتاب در کجا و سایه در چه جا است باز هوأرز انوی غضب نشست و باب رحم و انصاف فرو بست که همان ای ایله بی ادب مرا بر روع ملتسب سازی و بنادانی و نفهمی نسبت دهی این بگفت و با چنگل غضب

اورا از هم درید -

امروز موقع ماخیلی عیب به موقع آن کبک است قدری باریکی و اعتدال مسلك و التفات بنکات جزء و کل و مرابیت تانه در مهام لازم است که بتقریر و تحریر نماید یعنی میتوان گفت در چندین قرن متوالی هرگز چنین موقع حرج و مشکلی برای ایران پیش نیامده و اگر از این گذار رد شدیم شاید تا چندین قرن دیگر بنظیر چنین مقامی تصادف ننمائیم -

حرفان باهم ساخته و برادر وار دست اتحاد در تقسیم خنده ما بهم داده عثمانی هم اصرار و لجاجت را بر حد رسانیده از سوار خر شیطان بیاد نمیشود - ملت جاهل دولت ضعیف ، فتنه در هر جا بریا محرک متصل مشغول افساد دزد در راه حرامی در کمین ، وزراء بی تکلیف مفسدین زیاده از حد ، مملکت بی قانون ، آراء و اهواء مختلف مالیه در غایت اختلال ، دخل کم ، خرج زیاد ، مفت خور فراوان ، دشمنان داخلی در لباس دوست ، حدود نامعلوم ، مجلس سرگردان ، طمع بر همسانگان غالب ، قوه عسکریه قرین کمال بی انتظام ، تجارت کساد ، صناعت مفلکود و ثروت معدوم ، علم نایاب ، مردم سرگردان که در بیابان ، صاحب گوسفند در غفلت ، میان بیبک ، ترک در صدد ، سک در چرت ، شب تار ، جاده نامعلوم راه خطرناک ، هوا بابت سرد ، باران بشدت در تقاطع سیل در هجوم ، دیگر چه وقت ازین هنگامه برهوتر ، چه روزگار از این ایام غدار تر و مکار تر راحتی روز رستاخیز است و هنگامه محشر فریاد و ناله از هر طرف بلند خدا بداد برسد و مولی کمک کند !  
 کجا هستند عالی همتان دانشمند و مردان جهانبنده

کار آرموده خیر خواه؟ که دامان مردانگی بر کمر غیرت استوار کنند خوردن و خوابیدن را بر خود حرام دانسته با همه حواس متوجه اصلاح امور هوند، درد از دل ملک و ملت بر دارند و فوزی روی فوزی ننهند، من چنین کسانی سراغ ندارم اگر شما میشناسید بماراه نمائی کنید، خدای عالم بر سر و نهان گواه گفتار و شاهد صدق مقال است که اگر شخص بقدر خردلی درد وطن داشته باشد زندگانی بر او در این ایام ناگوارتر از حفظ و تریاک است بجای اهک خون از دیده گریستن سزا است آخر در یکمکت که سی کرور نفوس را دارا هستند عقل چگونه باور کند که ده نفر صاحب درد پیدا شود هرکس بفکر خویش است کوسه در فکر ریش کسی یاد از اینخک خراب نمیکند و احدی اسم از این اوضاع مهیب که تماشا کنندگان را بهول میافکند نمیتامد همه بخیالات شخصی جملگی گرفتار غم خصوصی که ای داد و بی داد چرا من امیر شدم و برتبه صدارت و وزارت نرسیدم هر گز نمیکوید آنها که از ضرب حنجر ریز ریز و از فشک بد خوانمان از بدن خود خانه زنیور می سازند برادران ما هستند، تلگرافیکه از شاهزاده فرما قرما از تیریز میرسد خدا قسم دل غیر تمند را لخت لخت میسازد برای ملاحظه عموم در نمره آتیه چند فقره از آنها را درج میکنیم تا از این عرصات خبردار شوید حال هم تلگرافیکه از انجمن خوی در جواب حضرت مستطاب آقای امام جمعه خوئی که اول شخص بادیات و کفایت و سیاست است مخا بره نموده اند بنظر خوانندگان محترم میرسانیم مگر سبک باران ساحل ها از حال کشتی نشینان طوفانی زده و کشتی شکسته یسار کنند و آبی ییاد لب تشنه آنها بنوعند

( تلگراف مزبور این است )

( از خوی به طهران )

حضور مبارک حضرت مستطاب ملاذالانام حجة الاسلام آقای حاجی امام جمعه ادام الله اینم افاضات الهی تلگراف مبارک حضرت مستطاب که متضمن مرده اتمام قانون اساسی و فرستادن به صحنه همیونی بود زیارت چشم عموم از این بشارت روشن با کمال تشکر استمدات و استقامت مجلس رفیع دارالشورای کبری و انسحکام مبانی قانون اساسی را از خداوند متعال خواهانیم از وضع امنیت داخلی شهر خوی و اطرافی و اقدامات هیئت مصاحبه تحقیق فرموده بودید آنچه شهر است الان با کمال پریشانی و استیصال کما فی السابق در میدان توپخانه خاک نشین بوده از آه و ناله سه هزار نفر زن بیوه و طفلان یتیم و مردان مجروح و غارت هده که بشه

خوی ریخته اند خانه ها عزا خانه بوده و آنچه اطرافی است دهات سه فرسخی و چهار فرسخی به یسار رفته معدوم الاثرند دهات نزدیک هم از شدت وحشت خانه خودشان را بشهر خوی حمل کرده سر بار سایر مصائب گردیده محمولشان تلف و به جز تحسر و اسف حالی ندارند و اما آنچه هیئت مصلحه میباشد هر چه از مظلومیت اهالی خوی و مظالم اگراد باطرافی بدیوانیان عرض و استدعای استمداد کرده حاصلی نبخشیده آخر الامر مایوسا محض استخلاص خود ده نفر از آقایان علما و خوانین و تجار و کسبه خوی را همراه خود برداشته به قراء ضیاء الدین بردند که بلکه با دعا خرس را از کشت زار خارج و بر سر هم بندی اصلاح بی اس و اساس جان خود را از مهلکه مستخلص دارند هنوز از اقداماتشان اثری نیست اقبال السلطنه هم بیهمه دهات سوار فرستاده رعیت را تخویف کرده است که نزد هیئت مصلحه نروند و تظلمات خود را نگویند و چند نفر هم از خوانین ماکوبا جمعی سوار به قراء ضیاء الدین آمده اشخاصیکه از خوی رفته اند از واهمه استمداد آنها قوه نطق ندارند و هنوز اسراء اردورا که در دعوا باتوب و مازومات دولتی بما کو برده اند کماکان مانده مرخص نکرده اند البته حضرت مستطاب عالی سابقه اطلاع بحال خوانین ماکوداشته و همه اینهارا تنوخته میخوانید و بهتر میدانید وقتیکه اقبال السلطنه توهم تشبیه و مؤاخذه دولت را داشت از استبداد و ظلم فرو گذار نمی نمود کجا مانده که حالا از دولت بکلی مطمئن و از عزم تشبیه و مؤاخذه خاطر جمع است محض اینکه کار این صفحات بتوجهات اولیای حضرت ولی عصر ارواح العالمین فداء مانده که دستی از غیب برون آرد برسینه نامحرم زندان انجمن ملی زمعارف خوئی من که طافت نوشتن ندارم روزه هم بملاوه یک سر باری عده که مرا از نوشتن و شمارا از خواندن باز داشته است اما چکنم که سینه تنگی میکند خون بشدت در عروق دوران و قلب در غایت تند می مشغول ضربان است این درد را کجا میتوان گفت که در چنین موهمی وزراء مادر فکر دخل و بردن منافعد خراب باد خانه قوم الدوله که آتش در مالیه زد و چهارشاهم که با هزار خورجگر ناصر الملك جد از سر و کلاه زدن با هزار ار باب حقوق و نوکر و فرانس و صد قسم قلاش جمع کرده مثل جراد منتشر و متفرق کرد آخر آدم چه قدر نمره بزند دهن ما کف کرد بسکه گفتیم ناصر الملك را دست بر نندوید امروز اگر کسی بتواند مالیه را اصلاح کند او است و بس مگر يك نفر مسلمان وطن پرست پیدا شد که با ما هم آواز شور تمریف است که از آصف الدوله و فلان الدوله و غیره و غیره میکنند من نمیکویم تمریف از آنها نکنید

اما لا اقل يك كلمه هم برای ملت حرف بزنید که گفته آن هزار كلمه دروغ و غرض و طمع گردد -  
 حالت مثل آندگانی است که چهار پائی اثر از نیاکان داشت که از بسیاری سن مویش ریخته و به شتر ضعیف و لایع و از بردن بار عاجز بود چندانکه دوستاش ملامت کرده میگفتند چهار پائی جوان پروت در اصلاح لازم است جواب میداد که یکصد سال از عمر این حیوان گذشته و سالی سی تومان ثروت فامیل من بخرج آورفته امروز سه هزار تومان بخرج آن شده است چگونه توانم او را برایکن از دست داد ؟ !  
 درست کمالات ماشیه به سخنان آن روستا است که چندین کرور خرج کرده و چیدن طماع شرور بدخواه و پرور داده و اکنون فهمیده ایم که مار در جیب پرورده ایم پس باید بی درنگ سرش بسنگ کوفت و جهان را از لوث وجودش پاک ساخت بقیه دارد

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

( پنجشنبه ۲ شهر رمضان )

سؤال از این شد که وزیر علوم چرا معین نمیشود و وزیر عدلیه هم هنوز مشخص نیست که کیست گفته شد که وزیر علوم معین نشد ولی وزیر عدلیه جناب مشیر الملک است گفته شد که آن دو ماده که از قانون وزارت داخله مانده است خوبست تمام شود و زود تر ملحق شده و چاپ کرده برای حکام فرستاده شود چون مدت است که از مجلس گذشته است و بموقع افتاده گفته شد که مشغول است ساختن بیابان و همین دوسه روزه تمام خواهد شد با اتمام این دوسه ماده بصره همایونی موهج میشود در این اثنا وزیر امور خارجه و حاج محقق السلطنه بمجلس آمده از وزیر معظّم اله سؤال شد که جواب مرسله سفارت انگلیس را در خصوص آن معاهده نامه بین دو لتین روس و انگلیس نوهتید یاخیر جواب دادند که هنوز خیر بواسطه پاره از ملاحظات و تحصیل اطلاعات بتاخیر افتاد نوشته خواهد شد سؤال شد که از قرار مسوع دولت ایران این معاهده نامه را قبول کردند جواب دادند که خیر هنوز قبول نکردند محترم السلطنه اظهار داشتند که برای ماموریت که سیوز سرحدی مطابق آنچه را که روی کاغذ آورده بمجلس ارائه دادم لازم دانسته و با آن ترتیب میتوانم بروم والا غیر از آن از عهد من خارج است در خصوص روانه داشتن اردو برای سرحد مذاکره شد بعضی صلاح ندانستند که اردو به همراهی مامور برود گفته شد که همراهی مناط نیست اردو و افواج از برای

انتظام سرحدی و داخلی آذربایجان چنانچه خود فرمادیم هم کراراً خواسته و نوشته است لازم است خواه بامامور و یا قبل از او یا بعد از او بروند گفته شد که عدم انتظام داخلی آذربایجان از فرمادیم است و ایشان مسئول ظم و اصلاح آنجا میباشند مجلس منتظر جواب ناگرایست که وتلای آذربایجان بایشان نمودند که اگر از عهد بر نی آید استفا بدهند بعد از قدری مذاکرات در لزوم رفتن افواج باذربایجان قرار شد که پاره از مذاکرات لازمه در مجلس خصوصی شده و در این باب هم رای اخیر داده شود مجلس در این موقع سری شد

( مکتوب از انجن برادران وفایه کاشخانه )

از تأییدات و توجهات امام عصر عجل الله تعالی فرجه و از مراحم ملوکانه اعلیحضرت شهریار عادل باذل امیر اطور اعظم محمد علی شاه قاجار خلد الله ملکه آفتاب مشروطیت و عدالت از اوق اقبال مالیرانیان طالع و مصدق آیه شریفه ( الیوم اکملت لکم دینکم و انتم علیکم نعمتی ظاهر )

دولت و ملت در کمال اتحاد و یگرنگی در اصلاحات امور مملکت و ملت مشغول و از این فوّه متحد ترزل در ارکان مستبدان افکنده و چشم سیاسیون کل مسالک اروپا را متوجه بسوی خود ساخته و همه منتظرند که در کاستان آسیا که قهقهه ایران است این شجره طیبه عدالت و مشروطیت چه میوه بار خواهد آورد اگر خدای ناخواسته حفظ بار دهد کام رفیقان شیرین خواهد شد و کسر انشالله نمی شکر به پروراند تلخ کام خواهند گردید  
 حال بر ما ملت نجیب قوم لازم است که وزراء معظّم و و کلاء محترم را بحال خود آسود و فارغ البسال بگذاریم تا اینکه این دو سلسله عظیمه مقلنه و مجریه در حفظ حدود و ثغور این خاک پاک که وطن عزیز است و بخون اسلاف ما عجمین است با تدبیر لازمه و افکار صائبه عقلیه و عیالیه بکوشند و کشتی پلایک مملکت را از گردن طمع اجانب حریص نجات بخشند و موارات که بعد از این طایفه بطایفه قبیله بقبیله صنف به صنف دست برادری و برابری بهم داده در امور داخله خود از قبیل ترقی مصنوعات شخصی و ترویج مسوجات وطنی در مقام جدوجهد برآمده تاریخ احتیاجات داخله را از خارجه بشناسیم و قاب و طرز برستان مات و دولت را در نیکی صنایع جلب بجانج خود نمائیم به اندازه که عموم برادران ما مطمئن بشوند که آنچه قلب در صنایع مملکت و وطن دیده میشد کایه ثمره آن شجره خبیثه استبداد بوده تا اینکه تمام را حمل به بی علمی ما بنمایند همه میدانند که ظلم مستبدین مایه چارگان را چنان درینجه قهر

فشار میداد که ابتدا آنی در فکر ترقی صنایع بودیم تا اینکه بتوانیم راه تقلب را مسدود نماییم

حال که از تیشه عالت ریشه استبداد و استبدین مملکت را گنده دیدیم در ظل اولیای دولت فوی شوکت و ولای محترم مجلس دارالشوری ملی شید الله ارکانه بفکر مافات خواهیم بود

لهذا از این به بعد بموم برادران دینی و هموطنان عزیز عرض و اعلام میداریم که ما سلسله کارگران کفایش خانه اسلامیة دار الخلافة از سفیر و کبیر عموما دست بدست یکدیگر داده برادر وار در حضور خالق اکبر بکلام آسمانی قسم یاد نموده و در مقابل امام زمان با هم متعهد شده که روز بروز در ترقی صنعت کفایشی که کسب یدی ما فرقه بی نام و نشان است بکوشیم که شاید در این صنعت که اول ما بحتاج ما اهالی است از سایر ممالک کسر نداشته باشیم

از این باب در نال ملا طفت کار فرمانیان کفایش خانه انجمن تشکیل داده موسوم به انجمن و فایه که در هفته و مجلس منعقد نموده در پیشرفت کار کری خودمان شور نموده شاید ترقی حاصل نماید و بسم اهل صنایع مملکت هم برسانیم حتی الامکان کارگران صنایع عموما از راه وطن پرستی در ترقی صنایع و وطنی سعی باشند و ترویج صنایع ایران که سر آمد تمام روی زمین بوده در ممالک خارجه رونق پیدا کند ولی این ترقی بسته به یک چیز است که آقایان و کار فرمانیان کارخانههای صنایع عموما و کفایش خانه خصوصا در حق کارگران خود سعی و همراه باغند چه در خصوص تکمیل اری و چه در اب حقوق ملی و انسانیت اگر چه از زمان التناج انجمن و فایه تا کنون همه نوع مرحمت و بذل محبت فرموده اند که اموزات چه کران پیشرفت نماید و ما بندگان هم از ایشان کمال امتنان و تشکر را داریم البته هر قسم کار فرمانیان با کارگران همراهی دانسته باغند ما هم حقوق ایشانرا منظور خواهیم داشت و در راه ذری الحقوق از جان و مال دریغ نخواهیم کرد خداوند متعال میفرماید هل جزاء الاحسان الا الاحسان ولی مستدعی از حضور مبارک ایشان چنانچه بهمان نوعی که اعلی حضرت اقدس شهر یاری خلد الله ملکه از مراحم بیکران مرعیت خود مشروطه مرحمت فرموده که مملکت ایران سر آمد ممالک اروپا گردد کار فرمانیان هم باین یک مشت رعیت خودشان برسم مشروطه راه بروند که فواید نام بجهد ایشان خواهد داشت من بعد از این هر کدام که با انجمن ترقی خواهم ما بیچارگان بذل نوجوی فرمایند اسما و رسما

ایشانرا به نیکی نم معرفی خواهیم نمود و امید واریم انشاء الله نوعی همراهی فرمایند که در ترقی خواهی ما بیچارگان خللی وارد نیاید که اسباب شرمندگی طرفین در نزد عموم ملت باغند هر کس خدمت به مملکت خود نماید البته محل توجه عموم خواهد بود ولی گمان بندگان این است که بعدها هیچ يك از افراد ما ملت در راه استبداد و مستبدین ابتدا حاضر نخواهیم بود رجاء و اتق اینکه کار فرمانیان محترم هر کنگونی که معمولی سنو اتی فی ما بین خودشان و کارگران بوده عمل به افتتاح انجمن محترم فرمایند که ساخت عموم انجمنها از خبث خیانات مبرا است غرض شخصی ندارند و با شخص طرفیت نخواهند داشت اغراضات نفسی را راجع بامورات عموم فرمایند تسبیح الله مما یفترون (امضاء کارگران کفایش خانه عموما)

### ( اعلان )

کتاب مستطاب بساطین العلماء فی احقاق الحق الحجة ابن الحسن ( ۳ ) تالیف یکی زوضلا دررد اقوال مدعیان قائمیت و منکرین انحضرت و ثبات وجود و عبیت آنجناب بخوبی اسلوبی چاپ شده و تاکنون کسی باینطرز کتاب جامعی از این مطالب ننکامته و در واقع برای مسلمین داشتن یک جلد از این کتاب از واجبات است چه که بطلان مدعیان را از اقوال خودشان ثابت و بکلمات و افیه و بیانات شافیه که تزه یک فهم هر صاحب سوادى است اثبات وجود مبارک انحضرت را نموده و بعد از مرور این کتاب تمام شبهات از خاطر مطالعه کننده زایل خواهد شد طالبین بمرکز ذیل رجوع فرمایند

### ( طهران )

مقال مغازه شاهنشاهی حجره جناب حاجی علی آفاناجر خرازی جناب آقا شیخ محمود اعتماد الفراء همسانی

### ( تبریز )

ندری خان حجره جناب مستطاب مشهوری علیقلی آفاناجر تبریزی

### ( رشت )

حجره جناب مستطاب سلاله السادات آقای آسید احمد جواهری

### ( همدان )

مدرسه فخریه مظفریه جناب آقا محمد تقی مدیر قیعت در این چهار محل جلد شده دو تومان و دهشاهی است در سایر جاها اجرت پست اضافه میشود

### اعلان

کتاب ( مارگو فرانسه و فارسی ) ( شمس طالع ) ( و نخست نامه ) از ترجمه و تالیفات مالمه ووس خان ملک یانی در کتابخانه تربیت در مطبعة فاروس و در کتابخانههای معتبر دار الخلافة برای فروش موجود است ( حسن الحسین الکاشانی )